

## ارزیابی برنامه‌های مصوب دوره‌های دکتری علوم سیاسی و روابط بین‌الملل

دکتر ابوالفضل دلاوری [abdelavari@gmail.com](mailto:abdelavari@gmail.com)

استادیار دانشگاه علامه طباطبائی

### چکیده

دوره های دکتری علوم سیاسی و روابط بین الملل در دانشگاه‌های ایران طی بیست سال اخیر رشد سریعی داشته اند اما کیفیت اجرای این دوره ها چندان مطلوب نیست. این موضوع، به ویژه در کیفیت رساله های این دوره خود را نشان می دهد. بخشی از مشکلات این دوره ها به رویکرد و محتوای برنامه های مصوب این دو رشته مربوط است. برنامه های مصوب این دو رشته از نارسایی های متعددی رنج می برند. این برنامه ها از حدود بیست سال پیش تا کنون مورد تجدید قرار نگرفته اند در حالی که در همین دوره، آیین نامه دکتری مورد بازنگری های متعددی قرار گرفته است. هر دو برنامه بدون اتکاء به مطالعات نیازسنجی، امکان سنجی و بررسی های کارشناسانه تنظیم شده اند. هر دو برنامه، آموزش محور هستند و تقریباً تمامی محتوای آنها به تعیین عناوین و سرفصل های دروس و آزمون جامع اختصاص دارد، در حالی که هدف اصلی دوره های دکتری تقویت توانایی های پژوهشی دانشجویان و مشارکت آنان در تولید دانش است. البته، برنامه رشته علوم سیاسی در مقایسه با رشته روابط بین الملل از آشفتگی و نارسایی بیشتری برخوردار است. در این برنامه، اثر چندانی از تعیین اهداف و خط مشی های لازم برای فعالیت های آموزشی، و پژوهشی دیده نمی شود. گرایش های فرعی تعیین شده برای این رشته، همچنین عناوین و سرفصل های دروس از نظم و منطق یکسانی پیروی نمی کند. سرانجام این که به نظر می رسد در متن این برنامه با تعجیل تهیه شده زیرا موارد فراوانی از اشتباهات نگارشی در آن به چشم می خورد. در هر صورت، هر دو برنامه نیازمند بازنگری و اصلاحات اساسی، در راستای تقویت کیفیت علمی و توجه بیشتر به جنبه های پژوهشی دوره هستند.

**واژه های کلیدی:** دوره دکتری، آیین نامه، برنامه ریزی درسی، برنامه درسی، علوم سیاسی، روابط

بین الملل، آموزش محوری، پژوهش محوری، عناوین درس، سرفصل های درس.

دکتری تخصصی (PhD) بالاترین مرحله آموزش آکادمیک است که هدف از آن، تکمیل زنجیره آموزش، ترویج پژوهش و توسعه مرزهای دانش در رشته های مختلف است. بر این اساس، معمولاً دانشگاه‌ها و موسساتی به اجرای این دوره‌ها مبادرت می‌ورزند که از امکانات و معیارهای علمی نسبتاً بالایی (به ویژه از نظر هیأت علمی) برخوردار باشند. همچنین، انتظار می‌رود دانشجویان این دوره علاوه بر تکمیل دانش و تقویت توانایی های آموزشی و پژوهشی خود با آگاهی از آخرین دستاوردهای تحقیقاتی در رشته مربوطه، به نوبه خود در تولید دانش در آن رشته مشارکت جویند. به همین دلیل است که دانشجویان هنگامی از صلاحیت دریافت مدرک دکتری در یک رشته دانشگاهی برخوردار می‌شوند که موفق شوند در مورد یکی از موضوعات آن رشته، «تر» (پیشنهاد علمی) جدیدی را در کنار یا در مقابل یافته‌های علمی موجود مطرح کنند و به صورت موجهی از آن دفاع نمایند. بنا بر این، دوره های دکتری فرصتی برای تعامل و هم‌افزایی زبده‌ترین فعالان علمی (اعم از استادان، پژوهشگران و دانشجویان) است و یکی از عرصه های مهم تولید علمی در رشته‌های مختلف دانشگاهی به حساب می‌آید.

دوره های دکتری تخصصی در رشته های علوم سیاسی و روابط بین الملل در دانشگاه‌های ایران تا چه حدی در راستای این هدف طراحی شده و عمل می‌کنند؟ پاسخ به این سوال از آنجا اهمیت می‌یابد که این دو رشته در دانشگاه‌های ایران بیش از ۳۰ سال سابقه دارند و در سال‌های اخیر به سرعت گسترش یافته اند. امروزه این دو رشته در بسیاری از دانشگاه های دولتی و غیر دولتی دایر شده و هر ساله صدها دانشجو در آن‌ها پذیرفته و صدها نفر نیز فارغ التحصیل می‌شوند. ارائه یک ارزیابی جامع از کیفیت این دوره ها مستلزم آن است که همه ابعاد آن‌ها، شامل طراحی و برنامه‌ریزی آموزشی و پژوهشی، محیط و فرایند اجرا، اثر بخشی و دستاوردهای علمی و کارآمدی دانش آموختگان این دوره‌ها مورد بررسی دقیق و روشمند قرار گیرد. با وجود این، مطالعات و شواهد موجود نشان می‌دهد که مهمترین دستاورد دانشجویان این دوره‌ها (یعنی رساله‌ها) در مجموع از کیفیت چندان مطلوبی برخوردار نیست (افتخاری، ۱۳۸۵: ۲۲-۱؛ دلاوری، ۱۳۸۵: ۱۲۰-۹۵؛ مقصدی، ۱۳۸۸: ۴۴۴-۴۳۳؛ خلیلی و همکاران، ۱۳۸۸؛ مشیرزاده، ۱۳۸۹: ۱۸۸-۱۶۳). در این مقاله فقط بخشی از مولفه‌ها و عوامل دخیل در کیفیت این دوره‌ها، یعنی آیین نامه‌های دوره دکتری و برنامه‌های مصوب رشته های علوم سیاسی و روابط بین‌الملل مورد بررسی قرار خواهد گرفت.

### الگوهای دوره‌های دکتری تخصصی در جهان

دوره‌های دکتری در دانشگاه‌های مختلف جهان در قالب الگوهای مختلفی اجرا می‌شود. در این مورد دو الگوی اصلی و چند الگوی فرعی قابل تفکیک است. الگوی «آموزش محور» یا مبتنی بر درس<sup>۱</sup> و الگوی پژوهش محور یا مبتنی بر پژوهش<sup>۲</sup> دو الگوی اصلی این دوره هستند. در الگوی آموزش محور، که بیشتر در دانشگاه‌های آمریکا شکل گرفته و در بسیاری دیگر از کشورها نیز رایج است، دانشجویان دکتری، پس از گذراندن یک دوره درس‌های مرتبط با رشته و تخصص مورد نظر و قبولی در آزمون جامع، وارد مرحله پژوهشی می‌شوند و در این مرحله رساله خود را تحت نظر استادان راهنما و مشاور تدوین می‌کنند و پس از دفاع از رساله به درجه دکتری نائل می‌آیند. در الگوی پژوهش محور که بیشتر در دانشگاه‌های اروپایی، به ویژه انگلستان رایج است دانشجویان از آغاز دوره با کمک استاد راهنما بر فعالیت پژوهشی، و مشخصاً بر موضوع رساله خود متمرکز می‌شوند و پس از تکمیل و دفاع از رساله، موفق به اخذ درجه دکتری می‌شوند. البته در این الگو نیز ممکن است دانشجویان بسته به نیازی که استاد راهنما تشخیص می‌دهد، موظف به گذراندن برخی درس‌های مرتبط با موضوع یا ملزومات رساله شوند اما معمولاً آزمون جامع در این الگو وجود ندارد.

امروزه در کشورهای مختلف، تمایل روزافزونی به تلفیق‌های کارآمدتری از این دو الگوی کلاسیک دیده می‌شود. برای مثال در انگلستان، طی سال‌های اخیر الگوی تلفیقی جدیدی با عنوان مدل نوین دکتری تخصصی<sup>۳</sup> رایج شده است که طبق آن، دانشجویان، در ابتدای دوره، به منظور تقویت بنیه علمی خود یک مرحله یکساله آموزشی، شامل چند درس نظری را طی می‌کنند و سپس وارد مرحله پژوهشی (رساله) می‌شوند. همچنین در برخی دیگر از کشورهای اروپایی، نحوه اجرای دوره‌های دکتری مورد تجدید نظر قرار گرفته و دانشجویان به جای این که فقط در ارتباط با استادان دوره آموزشی یا استاد راهنما رساله‌اش باشد، در ارتباط و همکاری با یک گروه پژوهشی قرار می‌گیرد و در جریان آموزش و تحقیقات خود با سطوح مختلف آکادمیک و پژوهشی همکاری می‌کند تا با زیر و بم‌های فعالیت‌های علمی و پژوهشی آشنا شود و رساله خود را نیز در جریان این کار علمی گروهی تدوین می‌کند.

1. Ph.D by course
2. Ph.D by research
3. New Route PhD

همچنین در سال‌های اخیر، که آموزش عالی در کشورهای مختلف بیش از پیش به رفع نیازهای فنی و اقتصادی گرایش یافته است، دوره‌های دکتری نیز در راستای تأمین هرچه سریعتر این نیازها مورد بازنگری و اصلاح قرار گرفته است. از جمله در بسیاری از کشورهای صنعتی، در کنار دوره‌های معمولی دکترای تخصصی، که غالباً اهداف علمی محض را دنبال می‌کنند، الگوهای کاربردی نیز برای دوره‌های دکتری تخصصی به اجرا در می‌آید. یکی از این الگوها، دوره‌های موسوم به «دکترای تخصصی حرفه‌ای»<sup>۱</sup> است که بیشتر در رشته‌های صنعتی به اجرا در می‌آید. در این دوره‌ها، که معمولاً کوتاه‌تر و کم‌هزینه‌تر از الگوهای رایج دکتری تخصصی است دانشجویان، رساله خود را درباره مسائل خاص کاربردی و مورد تقاضای بخش‌های صنعت و خدمات می‌نویسند. هزینه‌های این گونه دانشجویان و تیم راهنمای آن‌ها نیز از سوی سازمان‌ها و بخش‌های ذینفع تأمین می‌شود. (Clark, 1983; Forni, 1989; Wikipedia, 2011)

### دوره‌های دکتری در ایران: نگاهی از دریچه آیین‌نامه‌ها

دوره‌های دکتری در ایران بیشتر به الگوی آموزش محور نزدیک است. این دوره‌ها شامل دو مرحله نسبتاً مستقل آموزشی و پژوهشی است و ارتباط چندانی میان فعالیت‌های آموزشی و پژوهشی دانشجویان دیده نمی‌شود. در ادامه این محث با مروری بر آیین‌نامه‌های دکتری در ایران، این موضوع را نشان خواهیم داد.

در طول بیست سال گذشته چهار آیین‌نامه از سوی وزارت علوم، تحقیقات و فناوری در مورد نحوه اجرای دوره‌های دکتری تخصصی (در رشته‌های غیر پزشکی) تصویب و ابلاغ شده است. آیین‌نامه اول در سال ۱۳۶۸، آیین‌نامه دوم در سال ۱۳۷۲، آیین‌نامه سوم در اوایل سال ۱۳۸۴، و آیین‌نامه چهارم در سال ۱۳۸۸ تصویب و ابلاغ شده است. در اینجا قصد بررسی و یا مقایسه جزء به جزء این آیین‌نامه‌ها را نداریم و فقط می‌کوشیم با توجه به محتوای آن‌ها، الگوی کلی دوره‌های دکتری تخصصی در ایران را شناسایی کنیم. این الگو در وهله نخست امکان ارزیابی کلی دوره‌های دکتری را، بر اساس شاخص‌هایی نظیر اهداف و جهتگیری کلی دوره‌ها به ما می‌دهد و در وهله دوم، معیاری برای ارزیابی برنامه‌های دوره‌های دکتری در دو رشته رشته و میزان انطباق آن‌ها با این آیین‌نامه است.

در هر چهار آیین نامه، هدف اصلی دوره های دکتری «کسب توانایی نوآوری های علمی و تحقیقی برای رفع نیازهای کشور و گسترش مرزهای دانش در رشته تخصصی خود» اعلام شده است. با وجود این، آیین نامه های اول و دوم، بسیار تمرکز گرا و یکسان سازانه بودند و آزادی عمل چندانی به دانشگاه های مجری دوره در زمینه تعیین معیار های پذیرش دانشجو، برنامه ریزی دوره و عناوین و محتوای دروس نمی دادند. برای مثال در آیین نامه دوم همه موسسات آموزش عالی «ملزم به اجرای دقیق و کامل برنامه های آموزشی و پژوهشی مصوب شورای عالی برنامه ریزی» شده اند و به گروه های آموزشی و استادان مجری دوره فقط حق داده شده که «پیشنهادهای خود را به این شورا ارسال نمایند» (آیین نامه دکتری، ۱۳۷۲: متن ابلاغیه وزیر).

در آیین نامه اول و دوم، سهم بیشتری از زمانبندی و فعالیت های دوره دکتری به آموزش اختصاص یافته و آزمون جامع نیز عملاً منحصر به سنجش آموخته های مرحله آموزشی شده است. در حالی که در آیین نامه سوم آزادی عمل بیشتری در زمینه معیار های پذیرش دانشجویان، برنامه ریزی دوره و محتوای آموزشی و نحوه آزمون جامع به موسسات و گروه های مجری دوره داده است و بر ضرورت «تنوع بخشی» در زمینه هایی چون روش های احراز صلاحیت های علمی داوطلبان، تعیین وظایف آموزشی، شکل و محتوای ارزیابی جامع و فرایند اجرا و ارزیابی رساله های دانشجویان دوره تأکید کرده است. همچنین با تصریح بیشتری بر پژوهش محور بودن دوره، ضمن کاهش سقف فعالیت های آموزشی، بر ضرورت انطباق فعالیت های آموزشی هر دانشجو با موضوع رساله او تأکید شده است (آیین نامه دکتری، ۱۳۸۴).

در آیین نامه چهارم دو الگوی متفاوت «آموزشی- پژوهشی» و «پژوهشی» برای دوره های دکتری به رسمیت شناخته شده است. الگوی اول، تقریباً شبیه آن چیزی است که در آیین نامه سوم آمده بود اما الگوی دوم در ایران تازگی دارد. در این آیین نامه به دانشگاه ها و موسسات پژوهشی اجازه داده شده تا در چارچوب ضوابط خاصی، از جمله ارائه یک طرح کاربردی (مورد تقاضای موسسات و یاسازمان های بیرون از دانشگاه) از سوی داوطلبان و تأمین هزینه های دوره از محل بودجه یا درآمدهای این طرح، به جذب داوطلبان دوره های دکتری مبادرت ورزند. در این آیین نامه در مورد نحوه اجرای این الگو به کلیات اکتفا شده اما می توان استنباط کرد که این الگو بیشتر در رشته های فنی و کاربردی قابلیت اجرا دارد و در رشته های علوم انسانی و از جمله رشته های مورد نظر این پژوهش، چندان زمینه ای برای اجرا ندارد (آیین نامه دکتری، ۱۳۸۷).

خلاصه این که دوره‌های دکتری در ایران تا سال ۱۳۸۴ اصولاً آموزش محور بوده اما از آن پس، جنبه‌های پژوهشی دست کم در مقررات مربوطه مورد توجه و تأکید بیشتری قرار گرفته است. با وجود این، آنچه در اجرای دوره‌های دکتری مهم است، نه صرفاً آیین نامه‌ها و دستورالعمل‌های رسمی و اداری بلکه، ویژگی‌های برنامه ریزی دوره‌ها و میزان هدفمندی و ارتباط منطقی و کارکردی میان اجزاء برنامه و البته مهمتر از آن، سنت‌های علمی و رویه‌های عملی رایج در میان گروه‌ها و دانشگاه‌های برگزار کننده این دوره‌ها است. در ادامه این مقاله می‌کوشیم با بررسی برنامه دوره‌های دکتری علوم سیاسی و روابط بین‌الملل میزان هدفمندی و ارتباط منطقی میان اجزاء و مراحل مختلف این دوره‌ها را مورد بررسی قرار دهیم و در عین حال، میزان انطباق این برنامه‌ها را به ویژه با آیین نامه‌های جدید نشان دهیم.

### معیارهای ارزیابی برنامه ریزی آموزشی

در طراحی و برنامه‌ریزی یک رشته یا دوره آموزشی چند نکته از اهمیت اساسی برخوردار است. نخست این که، چنین کاری باید بر اساس یک نیاز سنجی دقیق صورت گیرد تا مشخص شود که چرا به چنین رشته یا دوره‌ای نیاز است و ابعاد کمی و کیفی این نیاز چیست؟ به عبارت دیگر، باید مشخص شود که در آن رشته یا دوره به چه تعداد از دانش آموخته، با چه توانایی‌ها و تخصص‌هایی و برای چه بخش‌هایی نیاز است. دوم این که، برنامه رشته یا دوره باید متناسب با نیازها و در راستای اهداف مورد نظر تنظیم شود. سوم این که هر برنامه، منظومه‌ای به هم پیوسته است که اجزاء آن باید رابطه منطقی با یکدیگر داشته باشند. بر این اساس، انتظار این است که برنامه یک رشته یا یک دوره دست کم شامل محورها و عناوین زیر باشد:

۱. توجیه ضرورت و اهمیت دوره: توضیح متقاعد کننده‌ای در باره نقش رشته یا دوره مورد نظر در پاسخگویی به نیازها و چالش‌های علمی و عملی مرتبط با موضوع رشته.
۲. تعیین اهداف دوره: مشخص کردن این مطلب که دانش آموختگان رشته یا دوره چه تخصص‌ها و توانایی‌هایی کسب خواهند کرد و دقیقاً کدام نیازها را در کدام بخش‌ها تأمین خواهند کرد؟
۳. تعیین محتوا: مشخص کردن این مطلب که رشته یا دوره شامل چه گرایشها و تخصص‌های فرعی است؟ چقدر به طول می‌انجامد؟ شامل چه فعالیت‌های آموزشی، پژوهشی و عملی برای کسب دانش‌ها، تخصص‌ها و مهارت‌های مورد نیاز است؟

۴. تنظیم و سازماندهی محتوا: در این مورد لازم است عناوین درس‌های رشته یا دوره و گرایش‌های فرعی آن و همچنین، تعداد واحدها و ترتیب گذراندن هریک از آن درس‌ها، سرفصل‌های درس‌ها و به ویژه جایگاه و اهمیت پروژه‌های تحقیقاتی دانشجویان مشخص شود.

۵. روش‌ها و ابزارهای اجرا: این که محتوای آموزشی و پژوهشی رشته یا دوره باید بر اساس چه الگویی (آموزش محور، پژوهش محور یا ترکیبی) سازماندهی شود؟ این محتوا با چه روش‌ها و ابزارهایی ارائه شود؟ معیارهای انتخاب استادان و منابع آموزشی آن‌ها چیست؟ دانشجویان باید خود را برای چه نوع فعالیت‌هایی در چه فضاهایی آماده سازند؟

۶. تعیین معیارهای پذیرش و ارزیابی دانشجویان: تعیین شرایط عمومی و اختصاصی و مشخص کردن معیارها و شیوه ارزیابی و سنجش پذیرفته شدگان رشته یا دوره همچنین مشخص کردن معیارهای ارزیابی فعالیت‌های آموزشی و پژوهشی پذیرفته شدگان و تعیین مراجع این ارزیابی (گروه مشاوران یونسکو، ۱۳۸۳؛ بازرگان، ۱۳۸۰؛ Elliot, 1975; Gurtight, 2001).

### **بررسی و ارزیابی برنامه‌های دکتری علوم سیاسی و روابط بین‌الملل**

برنامه دکتری علوم سیاسی توسط «کمیته تخصصی علوم سیاسی گروه علوم انسانی شورای عالی برنامه ریزی وزارت علوم» تنظیم شده و در دیماه ۱۳۶۹ به تصویب رسیده و در همان تاریخ از سوی وزیر مربوطه نیز مورد تأیید قرار گرفته و لازم‌الاجرا اعلام شده است. این برنامه شامل مشخصات کلی دوره، برنامه آموزشی - پژوهشی و سرفصل درس‌های دوره می‌باشد. برنامه دوره دکتری روابط بین‌الملل نیز به همان ترتیب، اما با حدود سه سال تأخیر (در آبانماه ۱۳۷۲) مورد تصویب و تأیید قرار گرفته و ابلاغ شده است. در ادامه مبحث محتوای این دو برنامه را بر اساس محورها و ملاحظات مذکور در مبحث قبلی مقاله مورد بررسی و ارزیابی قرار می‌دهیم.

#### **۱. ضرورت و اهمیت دوره‌ها در برنامه‌های مصوب**

در برنامه علوم سیاسی، مبحث ضرورت و اهمیت دوره، با این جمله بیان شده است: «با توجه به اهمیت مسائل سیاسی و حیات فرد در جامعه و پیچیدگی روزافزون جوامع، لزوم تربیت متخصصان در سطوح عالی احساس شده لذا برنامه دوره دکتری علوم سیاسی به شرح زیر اعلام میشود.»

(برنامه آموزشی دکتری علوم سیاسی، ۱۳۶۹: ۳) گسیختگی، ابهام و اشتباهات نگارشی این جمله، نیاز چندانی به اثبات ندارد. این موضوع، دست کم نشاندهنده کم‌حوصلگی و بی‌دقتی تدوین کنندگان آن، همچنین عدم کنترل کافی مراجع بالادستی (تصویب کنندگان) برنامه نه فقط بر محتوا که حتی بر شکل و نگارش متن است. به علاوه، با توجه به این که مقدمه هر متن ویرتین آن است و معمولاً با دقتی به مراتب بیش از خود متن نگاشته می‌شود، مشاهده این وضعیت در اولین جملات مقدمه برنامه تردیدهایی جدی در مورد دقت حاکم بر کل متن و محتوای برنامه ایجاد می‌کند.

در برنامه دکتری روابط بین‌الملل، مبحث ضرورت و اهمیت دوره، با تفصیل بیشتری - نسبت به برنامه علوم سیاسی - توضیح داده شده است. در مقدمه این برنامه، با اشاره به «تحولات سریع و شگرف» سیاست و روابط بین‌الملل در دهه پایانی سده بیستم و ظهور مسائل و موضوعات جدید و همچنین، بازنگری‌ها و بازاندیشی‌هایی که در مفاهیم، نظریه‌ها و باورهای مربوط به سیاست جهان و روابط بین‌المللی صورت گرفته است بر ضرورت «تربیت متخصصین برجسته که توانایی تحقیق در پدیده‌ها و مسایل جهان معاصر... را داشته باشند» تأکید شده است. همچنین خصلت چند رشته‌ای روابط بین‌الملل مورد تأکید قرار گرفته و بر ضرورت بهره‌گیری از «تمام دانش‌های اجتماعی و انسانی... و حتی علوم دقیقه» تصریح شده است (برنامه آموزشی روابط بین‌الملل، ۱۳۷۲). این جملات علاوه بر وضوح و رسایی، نشان از وقوف و توجه تدوین کنندگان برنامه به موضوع، ابعاد و تحولات رشته و همچنین لزوم روزآمد کردن محتوای دوره دارد. این چیزی است که در متن مربوط به برنامه دوره دکتری علوم سیاسی دیده نمی‌شود.

در برنامه رشته علوم سیاسی، در مورد تعیین اهداف دوره، به تکرار عین جملات مندرج در متن آیین نامه وقت دوره‌های دکتری (مصوب ۱۳۶۸) اکتفا شده و حتی تلاش چندانی برای تطبیق مفاد آن با رشته مورد نظر به عمل نیامده است. در این مورد نیز ذکر عین جملات، خالی از لطف نیست: «برنامه درس‌های زیر با توجه به هدف‌های مذکور در فصل اول آیین نامه دکتری رشته‌های غیر پزشکی موجود تدوین شده است و خواهان آن است که دانشجو با مطالعه و شناخت و پژوهش عمیق و گسترده خود در منابع مهم و گوناگون رشته علوم سیاسی به سطحی بالا از تفکر و تعقل منطقی و قدرت پژوهشی برسد تا ضمن دستیابی به توانایی‌های نظری و عملی قدرت انجام پژوهش‌های مستقل را بدست آورده و به عنوان صاحب‌نظر و پژوهشگر شناخته شوند.» (برنامه



این جملات نیز همچون مورد قبلی نشاندهنده کم حوصلگی و کم دقتی نویسنده یا نویسندگان متن است زیرا علاوه بر اشکالات محتوایی - یعنی کلی گویی و اکتفا به کلیات مندرج در آیین نامه عمومی دوره های دکتری - ساده ترین نکات دستوری، یعنی تناسب و انطباق ضمائر با افعال نیز در آن رعایت نشده است!

در برنامه علوم سیاسی، از یک سو، «تدریس در دانشگاه‌ها و موسسات آموزش عالی»، «انجام وظیفه در سازمان‌ها و ارگانهای دولتی و خصوصی» و انجام «فعالیت های پژوهشی» به ترتیب به عنوان مهمترین توانمندی فارغ التحصیلان دوره ذکر شده است. از سوی دیگر، «نیاز وزارتخانه های مختلف به کادر متخصص و کارشناسان برجسته»، «تأمین کادر علمی دانشگاه‌ها و مراکز آموزشی» و «مراکز تحقیقاتی و پژوهشی کشور» به ترتیب به عنوان مهمترین فرصت‌های اشتغال آنان معرفی شده است (برنامه علوم سیاسی، ۱۳۶۹: ۴). البته ممکن است این ترتیبات امری اتفاقی به نظر برسد، اما در واقع، بیانگر نگرش و اولویت های ارزشی نویسندگان برنامه است. این ترتیبات نشان می دهد که گویا از نظر نویسندگان برنامه، احراز مقامات مدیریتی و اجرایی و البته احراز کرسی تدریس در دانشگاه ها، برای فارغ التحصیلان دوره اولی تر و ارزشمندتر از فعالیت های پژوهشی است. چنین نگاهی، با اهداف اعلام شده در آیین نامه وقت دوره‌های دکتری نیز سازگاری چندانی ندارد. در آن آیین نامه آمده است:

«هدف از ایجاد دوره دکتری، تربیت افرادی است که با احاطه یافتن به آثار علمی در یک زمینه خاص و آشنا شدن با روش‌های پیشرفته تحقیق و دستیابی به جدیدترین مبانی آموزش و پژوهش، بتوانند با نوآوری در زمین‌های علمی و تحقیقی، در رفع نیازهای کشور و گسترش مرزهای دانش در رشته تخصصی خود موثر بوده و به تازه‌هایی در جهان دانش دست یابند.» (آیین نامه دکتری، ۱۳۷۲: ۳)

در برنامه رشته روابط بین‌الملل، در توضیح اهداف دوره به ذکر کلیات اکتفا شده و این جمله آمده است که: «دوره دکتری روابط بین‌الملل بالاترین مقطع تحصیلی در این رشته تخصصی است که زمینه آموزش، ارتقاء بینش و تربیت اساتید و پژوهشگران در مسائل و فراگردهای بین‌المللی و سیاست خارجی را فراهم می‌آورد» (برنامه دکتری روابط بین‌الملل، ۱۳۷۲: ۳). البته همین جمله بیانگر اولویت و اهمیت جنبه‌های علمی و پژوهشی دوره، در ذهنیت نویسندگان برنامه است.

## ۲. شرایط داوطلبان و نحوه پذیرش دانشجویان در دوره‌ها

در برنامه دکتری علوم سیاسی در مورد شرایط پذیرش دانشجویان دوره به این جمله اکتفا شده که: «علاوه بر ضوابط علمی مقرر در آیین نامه آموزشی دوره تحصیلات تکمیلی، داوطلبان ورود به رشته دکتری علوم سیاسی باید دارای حداقل دانشنامه کارشناسی ارشد در رشته علوم سیاسی، روابط بین‌المللی و حقوق باشید [باشند]». (برنامه علوم سیاسی، ۱۳۶۹: ۴). در این جمله، صرف نظر از اشکالات نگارشی، چند مشکل و ابهام محتوایی وجود دارد. نخست این که معلوم نیست منظور از «آیین نامه آموزشی دوره تحصیلات تکمیلی» چیست؟ آیا آیین نامه وقت دوره دکتری منظور نظر است یا چیز دیگری. البته به نظر می‌آید که منظور آنان آیین نامه وقت کل دوره‌های دکتری است که در آن به مواردی چون «شرایط عمومی ورود به آموزش عالی»، «داشتن دانشنامه کارشناسی ارشد یا دکتری حرفه‌ای متناسب با رشته مورد نظر» و «موفقیت در آزمون زبان خارجی و امتحان اختصاصی» اشاره شده است. به هر حال، محدود ماندن بحث تعیین شرایط پذیرش دانشجو در یک رشته خاص به ذکر آدرس شرایط کلی مندرج در آیین نامه عام دوره‌های دکتری (و نه حتی ذکر عین محتوای آن) در برنامه یک رشته تخصصی کار چندان موجهی نیست زیرا در مقررات خاص، انتظار این است که به تفصیل مقررات عام پرداخته شود. سوم این که، تنها شرط خاص مندرج در این برنامه، یعنی محدود کردن پذیرش دانشجویان به دارندگان مدرک کارشناسی ارشد علوم سیاسی، روابط بین‌الملل و حقوق، بر منطق روشنی استوار است. اگر معیار مورد نظر برنامه نویسان، ارتباط موضوعی یا دروس مشترک این رشته‌ها بوده است، در این صورت، ارتباط رشته‌هایی نظیر جامعه‌شناسی، اقتصاد، فلسفه و روانشناسی با علوم سیاسی کمتر از رشته حقوق نیست. به نظر می‌رسد در این مورد نیز همجواری سنتی گروه‌های علوم سیاسی و حقوق در قدیمی‌ترین دانشگاه ایران (تهران) برای برنامه نویسان حجیت ایجاد کرده و آن‌ها را از بررسی‌ها و ملاحظات کارشناسانه بی‌نیاز کرده است. این در حالی است که حداقل از ۴۰ سال پیش به این سو، تحت تأثیر سنت‌های دانشگاه‌های آمریکا، برنامه‌های رشته علوم سیاسی در ایران به رشته‌هایی نظیر جامعه‌شناسی و حتی اقتصاد بسیار نزدیک‌تر شده است تا به رشته حقوق.

در برنامه روابط بین‌الملل، شرایط پذیرش دانشجویان دکتری با تفصیل بیشتری بیان شده و علاوه بر شرایط عام ورود به آموزش عالی، به برخی شرایط خاص، نظیر رشته‌های تحصیلی قبلی، حداقل نمرات در آزمون‌های کتبی و مصاحبه حضوری اشاره شده است (برنامه روابط بین‌الملل، ۱۳۷۲:

### ۳. محتوای آموزشی و پژوهشی دوره‌ها

در برنامه رشته علوم سیاسی پس از ذکر شرایط گزینش دانشجو، بلافاصله درس های دوره با عنوان «دروس مشترک اجباری» و گرایش های اصلی و دروس مربوط به هر یک از این گرایش ها بدون هیچ گونه توضیح و توجیهی در چند جدول آمده است. گرایش های چهارگانه ذکر شده برای این رشته عبارتند از: اندیشه سیاسی، جامعه شناسی سیاسی، مسائل ایران و سیاستگذاری عمومی. این در حالی است که تعداد و عناوین گرایش های (زمینه های) تخصصی در دوره های دکتری علوم سیاسی در دانشگاه های معتبر جهان با آنچه در این برنامه آمده است، تفاوت دارد. برای مثال در دانشگاه های آمریکا معمولاً پنج زمینه تخصصی اصلی وجود دارد که عبارتند از: سیاست آمریکا، سیاست مقایسه ای، روابط بین الملل، نظریه سیاسی و سیاستگذاری عمومی. البته در برخی دانشگاه ها علاوه بر زمینه های نامبرده چند زمینه تخصصی بین رشته ای نظیر اقتصاد سیاسی، سیاست اجتماعی و حقوق عمومی نیز وجود دارد (Chicago University, 2010; Stanford University 2007; Berkeley University, 2011). به هر تقدیر، معلوم نیست تدوین کنندگان برنامه دکتری علوم سیاسی در ایران، تعداد و عناوین گرایش های تخصصی چهارگانه مورد نظر خود را بر اساس چه منطقی و توجیهی انتخاب کرده و از بقیه گرایش های رایج در این رشته صرف نظر کرده اند. به ویژه این که در هیچ کجای این برنامه توضیحی در این مورد به چشم نمی خورد.

در برنامه رشته روابط بین الملل، قبل از جدول درس های دوره، مبحثی با عنوان «شرایط اختصاصی و ساختار و شکل دوره» آمده است که در آن به گروه بندی دروس و تعداد واحدهای لازم، همچنین به حدود اختیار دانشجویان در انتخاب درس ها و شرایط استفاده دانشجویان از دیگر دانشگاه ها برای گذراندن درس ها (به عنوان دانشجویان مهمان) پرداخته شده است. در این بخش از برنامه، در مبحثی با عنوان «امتحان جامع» مراحل مختلف تحصیل دانشجویان دوره مشخص شده و شرایط گذراندن هر یک از سه مرحله آموزشی، آزمون جامع و تدوین رساله بیان شده است. البته انطباق چندانی میان عنوان این بخش از برنامه با مطالب مندرج در آن وجود ندارد اما این مطالب، بیانگر تلاش نویسندگان برنامه برای ارائه تصویری کلی از محتوای دوره است.

## گرایش‌های تخصصی و دروس

### الف - گرایش‌ها و دروس علوم سیاسی:

درس‌های مشترک و اجباری دکتری علوم سیاسی شامل شش درس است که از این میان دو درس به روش پژوهش (شامل روش‌شناسی در علم سیاست و ابزارهای نوین تجزیه و تحلیل سیاسی)؛ سه درس به سیاست و حکومت در ایران (شامل جامعه‌شناسی سیاسی ایران، مسائل توسعه سیاسی در ایران و مسائل سیاسی روز) و یک درس به روابط بین‌الملل (روابط شمال-جنوب) مربوط است. دروس اختصاصی گرایش‌های چهارگانه دوره نیز به شرح زیر تعیین شده است: برای اندیشه سیاسی، چهار درس (شامل: «اندیشه سیاسی در غرب»، «اندیشه سیاسی اندیشمندان کشورهای اسلامی»، «اندیشه سیاسی در شرق باستان» و «تحقیق مستقل»); برای گرایش جامعه‌شناسی سیاسی، چهار درس (شامل: «نظریات جامعه‌شناسی»، «جامعه‌شناسی توسعه»، «جامعه‌شناسی وسایل ارتباط جمعی» و «متون کلاسیک جامعه‌شناسی سیاسی»); برای گرایش مسائل ایران، سه درس (شامل: «تاریخ اندیشه سیاسی در ایران»، «سیاست خارجی ایران در قرن ۱۹ و ۲۰ تا انقلاب اسلامی» و «انقلاب اسلامی در ابعاد تاریخی، فرهنگی و اجتماعی و سیاسی»); و برای گرایش سیاست‌گذاری عمومی، شش درس (شامل: «سیاست‌گذاری عمومی»، «برنامه‌ریزی عمومی»، «سازمان و سیاست‌گذاری عمومی»، «اقتصاد و سیاست‌گذاری عمومی»، «چارچوب‌های حقوقی و سیاست‌گذاری عمومی»، «جامعه‌شناسی و سیاست‌گذاری عمومی»); در نظر گرفته شده است.

در مورد این بخش از برنامه چند نکته قابل ذکر است. نخست این که در متن برنامه هیچ توضیحی در مورد جایگاه دروس اجباری و تخصصی و نحوه انتخاب و نسبت میان آن‌ها دیده نمی‌شود. البته از ظواهر و شواهد امر و همچنین از رویه‌های عملی رایج در دانشگاه‌های مجری این دوره‌ها اینگونه برمی‌آید که برنامه درسی دوره از نوع بسته (فیکس) است. به این معنا که همه دانشجویان ناچارند تمام دروس مشترک و همچنین تمام دروس یکی از گرایش‌ها را بگذرانند.<sup>۱</sup> این در حالی است که در دانشگاه‌های معتبر معمولاً به دانشجویان دوره‌های دکتری اجازه داده می‌شود که از میان گرایش‌های تخصصی موجود دو گرایش را (یکی به عنوان اصلی و دیگری به

۱. طی دو دهه‌ای که از اجرای این برنامه می‌گذرد، برخی از دانشگاه‌ها در برخی از دوره‌ها، گرایش‌های چهارگانه را حذف و دروس دوره را با عنوان کلی علوم سیاسی ارائه می‌کنند. همچنین در برخی دانشگاه‌ها فقط یک یا دو گرایش ارائه می‌شود. بنا بر این، امکان انتخاب گرایش‌های این رشته نیز چندان زیاد نیست.

عنوان فرعی) انتخاب کند و از هریک از آن ها دروسی را بگذرانند. (Berkeley University, 2011; Cuny university, 2011; Stony Brook university, 2011)

دوم این که، برخی از دروس مشترک و اجباری تعیین شده برای دانشجویان دوره، سازگاری چندانی با منطق دیسپلین های علمی ندارند. اصولاً دروس مشترک گرایش های مختلف یک رشته باید شامل موضوعات و مباحث بنیادی آن رشته باشند. انتظار این است که در رشته علوم سیاسی نیز دروسی نظیر روش شناسی و نظریه های سیاسی به عنوان دروس مشترک در نظر گرفته شود. البته درس های روش شناسی به اندازه کافی مورد توجه برنامه ریزان علوم سیاسی بوده است اما جای خالی مباحث نظری عام در مورد سیاست (اعم از داخلی و خارجی) در این دسته از درس ها احساس می شود. علاوه بر این، توازن مچندانی در عناوین دروس اجباری دوره دیده نمی شود. صرفنظر از دروس روش شناسی، بیشتر عناوین دروس مشترک و اجباری این دوره به مسائل سیاسی ایران مربوطند. این در حالی است که «مسایل ایران» خود یکی از گرایش های تخصصی ارائه شده در این برنامه است. به عبارت دیگر وزن دروس مرتبط با ایران در این برنامه بیشتر از حد معمول است.

سوم این که دروس مربوط به گرایش های تخصصی (چهارگانه) نیز در موارد متعددی فاقد توازن، تناظر و توجیه منطقی است. در اینجا به چند مورد اشاره می شود:

۱- تعداد دروس منظور شده برای گرایش ها بسیار متفاوت است. در حالی که برای هر یک از دو گرایش اندیشه سیاسی و جامعه شناسی سیاسی چهار درس در نظر گرفته شده، برای گرایش سیاستگذاری عمومی شش درس، و برای گرایش مسائل ایران فقط سه درس منظور شده است. این موضوع باعث تفاوت قابل ملاحظه ای در میانگین واحدهای دروس در این گرایش ها شده است به طوری که میانگین واحدهای دروس برای گرایش سیاستگذاری عمومی، دو واحد، برای اندیشه سیاسی و جامعه شناسی سیاسی سه واحد و برای مسایل ایران ۴ واحد است. نویسندگان برنامه هیچ توضیح و توجیهی در مورد این تفاوت ها ارائه نکرده اند.

۲- عناوین دروس گرایش های دوره نیز از منطق مشترکی پیروی نمی کند. برای مثال، برای گرایش اندیشه سیاسی، درسی با عنوان «تحقیق مستقل» در نظر گرفته شده است در حالی که دیگر گرایش ها فاقد چنین درسی هستند. تحقیق مستقل در خوشبینانه ترین تفسیر، انجام یک تمرین پژوهشی جدی تحت نظر استادان متخصص در روش شناسی و همچنین موضوع تحقیق است. اگر از نظر نویسندگان این برنامه چنین فعالیتی برای دانشجویان لازم بوده است چرا فقط برای یکی

از گرایش‌ها لحاظ شده و نه برای همه آن‌ها؟ البته با توجه به این که معمولاً در همه درس‌های دوره دوره دکتری، استادان مربوطه عملاً خواهان انجام و ارائه گزارش تحقیق هستند (که خود جای بررسی و آسیب شناسی دارد)، اصولاً ارائه درسی با این عنوان آن هم فقط در یکی از گرایش‌ها ضرورتی نداشته و این گمان را بر می‌انگیزد که گویا برنامه نویسان، فقط برای پر کردن واحدهای این گرایش، چنین درسی را در برنامه آن گنجانده‌اند.

۳- برخی از عناوین دروس گرایش‌های تخصصی، توجیه علمی چندانی برای دوره دکتری ندارد. برای مثال در گرایش اندیشه سیاسی، درسی با عنوان کلی «اندیشه سیاسی در غرب» در نظر گرفته شده است. این در حالی است که این عنوان بیشتر بیانگر یک حوزه مطالعاتی است و نه یک درس. اتفاقاً در دوره کارشناسی این رشته، این حوزه مطالعاتی در سه درس مستقل (بر حسب دوره های تاریخ غرب) ارائه می‌شود. مشابه این وضعیت در برنامه درسی گرایش مسائل ایران به چشم می‌خورد. در این گرایش، درسی با عنوان «سیاست خارجی ایران در قرن ۱۹ و ۲۰ تا انقلاب اسلامی» وجود دارد که در دوره کارشناسی این رشته در سه درس ارائه می‌شود. گویا برنامه ریزان دوره، این فرض را مبنا قرار داده‌اند که دانشجویان پذیرفته شده در دوره دکتری، غالباً این درس‌ها را در لیسانس با تفصیل خوانده‌اند و در مرحله آموزشی دوره دکتری فقط مروری بر آن‌ها یا انتخاب گزیده‌ای از آن‌ها توسط استاد کافی است! سرفصل‌های این دروس نیز مؤید این گمان است. این در حالی است که، انتظار می‌رود اگر درسی برای دوره دکتری لازم است، طبعاً باید با تفصیل و دقتی به مراتب بیش از دوره کارشناسی ارائه شود و اگر فقط بخشی از آن لازم است، باید با عنوانی مناسب، که روشنگر حدود و ثغور موضوع و محتوای درس باشد، ارائه شود.

۴- در گرایش جامعه‌شناسی سیاسی درسی با عنوان «متون کلاسیک جامعه‌شناسی سیاسی» و درسی دیگر با عنوان «نظریه‌های جامعه‌شناسی» منظور شده است. در وهله نخست به نظر می‌رسد که این یک اشتباه نگارشی باشد. به این معنا که منظور برنامه نویسان «متون کلاسیک جامعه‌شناسی» و «نظریه‌های جامعه‌شناسی سیاسی» باشد. اما تکرار این عنوان در سرفصل‌های دروس دوره، بیانگر آن است که گویا این اشتباه نه به نگارش و ویرایش متن برنامه بلکه به ذهنیت نویسندگان برنامه مربوط بوده است. این موضوع را در مبحث بعدی مقاله (که سرفصل‌های این دو درس را بررسی می‌کنیم) بیشتر توضیح می‌دهیم.

۵- عناوین دروس گرایش سیاست‌گذاری عمومی بیش از بقیه گرایش‌ها دچار ابهام و اشکال است. صرف‌نظر از تعداد زیاد درس‌های این گرایش (به نسبت دیگر گرایش‌ها) درس‌های ارائه شده

برای این گرایش بیشتر یاد آور فهرست مطالب یک کتاب درسی در سطح کارشناسی است و نه دروس لازم برای سطح دکتری این گرایش چندرشته‌ای. به علاوه، معلوم نیست منظور طراحان و نویسندگان برنامه این رشته، از پیشوندهای «سازمان»، «اقتصاد»، «چارچوب‌های حقوقی» و «جامعه‌شناسی» در دروس ارائه شده برای این گرایش چیست؟ آیا منظور آن‌ها نسبت و ارتباط مقوله سیاست‌گذاری با این مقوله‌هاست یا منظور آن‌ها ابعاد مختلف یک سیاست‌گذاری است؟ متأسفانه سرفصل‌های ارائه شده برای این درس‌ها نیز آنچنان کلی است که به حل این ابهامات و اشکالات کمک چندانی نمی‌کند.

### ب- گرایش‌ها و دروس روابط بین‌الملل

در برنامه درسی روابط بین‌الملل فقط یک گرایش وجود دارد اما درس‌های دوره به گونه‌ای سازماندهی شده‌اند که دانشجویان امکان انتخاب طیف نسبتاً وسیعی از درس‌ها را دارند. دروس دوره به سه دسته اصلی «پیش‌نیاز»، «عمومی» و «تخصصی» تقسیم شده‌اند. درس‌های «پیش‌نیاز»، شامل دو درس «زبان تخصصی» و «کامپیوتر و اطلاع‌رسانی» است. البته در این برنامه مشخص نشده است که آیا همه دانشجویان موظف به گذراندن این دروس هستند یا دانشجویانی که رشته قبلی آن‌ها غیر از رشته روابط بین‌الملل است.

دروس عمومی این رشته، شامل پنج درس است که دو درس مربوط به روش‌شناسی («روش‌شناخت در روابط بین‌الملل» و «ابزارهای نوین تجزیه و تحلیل در روابط بین‌الملل») برای همه دانشجویان اجباری و سه درس دیگر («نقد و ارزیابی تئوری‌های روابط بین‌الملل»، «مسائل جاری بین‌المللی و مناطق بحرانی» و «تحول مفاهیم در روابط بین‌الملل») اختیاری است.

درس‌های تخصصی این رشته نیز در قالب سه گروه تفکیک شده‌اند. ۱- روابط سیاسی بین‌المللی (با تأکید بر سیاست و امنیت بین‌الملل)، ۲- روابط حقوقی بین‌المللی (با تأکید بر حقوق و سازمان‌های بین‌المللی)، ۳- روابط فرهنگی و اقتصادی بین‌المللی (با تأکید بر مبادلات فرهنگی و تجاری بین‌المللی). در هر یک از گروه‌های درسی نامبرده، برخی از درس‌ها برای همه دانشجویان اجباری هستند و برخی دیگر انتخابی هستند. در گروه اول، که شامل یازده عنوان درس است، فقط دو درس «نقش قدرت در سیاست بین‌الملل» و «سیاست خارجی ایران» اجباری است. در گروه دوم نیز، که شامل یازده عنوان درس است، فقط دو درس «اصول حقوقی ناظر بر روابط بین‌الملل» و «سازمان ملل متحد و امنیت جهانی» اجباری است. در گروه سوم هم که شامل ده عنوان درس

است، باز هم فقط دو درس «اقتصاد سیاسی بین‌الملل» و «روابط فرهنگی، ارتباطات و مبادلات بین‌المللی» اجباری هستند. البته در جدول‌های ارائه شده در برنامه، یک گروه درسی نیز با عنوان «مطالعات منطقه‌ای» آمده است که شامل هشت عنوان درس است که یک درس («ایران و کشورهای همسایه») برای همه دانشجویان اجباری است و دانشجویان باید از میان دیگر درس‌های این گروه یک درس دو واحدی دیگر را به صورت انتخابی بگذرانند. طبق برنامه مصوب، دانشجویان دوره موظفند سی واحد از درس‌های ارائه شده را بگذرانند که شانزده واحد اجباری، ده واحد از میان دروس اختیاری (متعلق به سه گروه درسی تخصصی) و چهار واحد از گروه درسی مطالعات منطقه‌ای است.<sup>۱</sup>

برنامه درسی روابط بین‌الملل از تنوع بیشتری نسبت به علوم سیاسی برخوردار است. در این رشته، دانشجویان دست کم در نظر، این امکان را دارند که بسته به علایق یا ملاحظات خود، درس‌هایی را از میان طیف وسیعی از دروس انتخاب کنند.<sup>۲</sup>

البته برنامه درسی روابط بین‌الملل نیز خالی از ابهام و اشکال نیست. در این مورد به دو نکته اشاره می‌شود. نخست این که هدف برنامه نویسان از تفکیک دروس عمومی و تخصصی و تقسیم دروس تخصصی به سه گروه جداگانه معلوم نیست. اگر هدف این بوده است که دانشجویان را به گرایش‌های تخصصی سوق دهند، بهتر این بود که همچون برنامه‌های دانشگاه‌های معتبر جهان، گرایش‌های تخصصی دوره صریحاً ارائه می‌شد و دروس دوره بر اساس آن‌ها طبقه بندی می‌شد و سپس به دانشجویان اجازه داده می‌شد که گرایش‌های اصلی و فرعی خود را برگزینند و در چارچوب آن به انتخاب دروس لازم مبادرت ورزند. سوم این که در این برنامه، جایگاه گروه درسی «مطالعات منطقه‌ای» معلوم نیست به ویژه این که این گروه درسی فقط در جدول دروس مندرج در برنامه آمده و برخلاف بقیه گروه‌های درسی، در مبحث مربوط به گروه بندی‌های درسی هیچ توضیحی در مورد آن داده نشده است. چهارم این که، نحوه انتخاب دروس دوره، آن گونه که در برنامه آمده است، کمی گیج کننده است. برای مثال، برخی از دروس اختیاری در هر یک از گروه‌های درسی با علامت X مشخص شده اند و در توضیح آن، اعلام شده است که «این درس‌ها ممکن است جایگزین یک درس اجباری شوند» (برنامه رشته روابط بین‌الملل، ۱۳۷۲: ۶).

۱. البته در سال‌های اخیر، با کاهش تعداد واحدهای دوره از سی واحد به هجده واحد، این ترتیبات تغییر کرده است.  
 ۲. انتخاب دروس اختیاری روابط بین‌الملل در عمل با محدودیت‌های زیادی مواجه است زیرا منوط به ارائه آن‌ها از سوی گروه‌ها و دانشکده‌های مجری دوره و بنا بر این، تابع امکانات دانشکده و گرایش‌ها و تخصص‌های گروه است.



همچنین، امکان ارائه دروس اختیاری به شرایط و متغیرهایی نظیر «امکانات و موجود بودن استاد»، «حد نصاب دانشجویان» و «اولویت‌ها» مشروط شده است. معلوم نیست که امکانات و اولویت‌های مورد اشاره برنامه بر چه اساسی و توسط چه مرجعی تعیین می‌شود. ذکر این گونه شرایط در یک برنامه درسی، علاوه بر گنج کردن دانشجویان، ممکن است کار را بر دانشکده‌های مجری دوره نیز دشوار سازد. این دشواری‌ها، در عمل دانشکده‌های مجری دوره را به سوی محدود کردن دروس انتخابی و ارائه دروس یکسان برای دانشجویان دوره سوق می‌دهد.

### سرفصل‌ها و منابع درسی

#### الف - سرفصل‌ها و منابع رشته علوم سیاسی

سرفصل‌های رشته علوم سیاسی، بیشتر شامل عناوین و محورهای دروس است. در سرفصل‌های دروس این رشته نیز ابهام، آشفتگی و اشتباهات متعددی به چشم می‌خورد. در اینجا مواردی به عنوان نمونه ذکر می‌شود:

۱- در سرفصل‌های درس «روش شناسی در علم سیاست» آمده است: «هدف این درس عبارتست از آماده سازی دانشجویان برای شناخت و کاربرد موثر روش‌های معتبر موجود و آفرینش روش‌های تازه با توجه به نتایج به دست آمده از کاربرد روش‌های پیشین در علوم سیاسی» (برنامه علوم سیاسی، ۱۳۶۹: ۱۰). هدف اعلام شده در نگاه اول بسیار امیدوار کننده است زیرا علاوه بر آموزش و کارورزی با روش‌های موجود، ابداع روش‌های جدید را نیز در برمی‌گیرد. این امیدواری اما، در سطور بعدی که عناوین سرفصل‌های درس ارائه شده است رنگ می‌بازد. در این عناوین چیزی جز کلیاتی مبهم و بعضاً مغلوط از مباحث مربوط به روش شناسی دیده نمی‌شود. در اینجا تمام این عناوین نقل می‌شود:

«کلیاتی در باره روش‌های علم سیاست و روند تکاملی آنها، ارتباط میان روش‌های علم سیاست و بینش‌های سیاسی، ارتباط میان روش‌های علوم سیاسی و ماهیت پدیده‌های سیاسی، انواع روش‌های علم سیاست و کارایی آنها در پیشگویی رویدادهای سیاسی. روش‌های هنجاری (فلسفی، مذهبی، اخلاقی و حقوقی) روش‌های زیست شناختی، جامعه‌شناختی، روان‌شناختی و تاریخی، روش‌های تجربی نوین (الگو، مدل روش سیستمی) و بازیها» (برنامه علوم سیاسی، ۱۳۷۲: ۱۰).

مواردی که در این سرفصل به عنوان روش‌های علوم سیاسی آمده است اولاً به درستی مفهوم‌سازی و طبقه‌بندی نشده‌اند؛ ثانیاً همگی در زمره روش نیستند بلکه بعضاً در زمره رویکرد یا رهیافت و بعضی نیز در زمره مفاهیم مرتبط با روش هستند. برای مثال، آنچه در اینجا به عنوان روش‌های «هنجاری» آمده است، بیشتر بیانگر منظر و نگرش<sup>۱</sup> یک پژوهشگر است. مواردی هم که با عناوینی چون «روش‌های زیست‌شناختی» و «روش‌های جامعه‌شناختی» آمده، بیشتر بیانگر رهیافت و رویکرد<sup>۲</sup> پژوهشگر است و نه روش (به معنای دقیق کلمه). به علاوه، مفاهیمی چون «الگو» و «مدل» بیشتر بیانگر ابزارهای تحلیلند تا روش‌های تحقیق. مفهوم «سیستمی» نیز گاه بیانگر یک «نگرش» خاص در علوم است (نگرش سیستمی) و گاه بر نوع خاصی از تحلیل (تحلیل سیستمی) دلالت دارد.

۲- سرفصل‌های درس «ابزارهای نوین تجزیه و تحلیل سیاسی» نیز مبهم و آشفته است. موارد زیر از جمله سرفصل‌هایی است که برای این درس ذکر شده‌اند:

«داده و داده‌آرایی»، «ارتباط میان داده‌آرایی و کشف قانون»، «انواع داده‌های سیاسی»، «کاربرد داده‌های سیاسی امروزی برای سنجش میزان درستی نگرش‌های سیاسی گذشته (تحلیل منظوری و تحلیل گمانه‌ای)»، «کاربرد داده‌های سیاسی در پرداخت نگرش‌های نوین علم سیاست (نگرش عمومی سیستم‌ها، مدل‌های سبیرنتیک، نگرش‌های اتفاهی<sup>۳</sup> همانند سازی با توجه به روندهای سه گانه (جنگ و دعوا بازیها و مجادله) و ...» (برنامه علوم سیاسی، ۱۳۶۹: ۱۱).

آشفته‌گی‌ها، ابهامات و اغلاط نگارشی موجود در این عبارات، بیش از آن که بیانگر تسلط نویسندگان برنامه به «ابزارهای نوین تجزیه و تحلیل سیاسی» باشد، شائبه اقتباس عجولانه سرفصل‌های این درس را تقویت می‌کند!

۳- سرفصل درس «سمینار مسائل سیاسی روز» نمونه‌ای دیگر از کلی‌گویی، آشفته‌گی و بی‌دقتی حاکم بر برنامه این رشته را نشان می‌دهد. در سرفصل این درس فقط به ذکر یک جمله بسنده شده است که عیناً نقل می‌شود: «بررسی جدیدترین تحولات بین‌المللی و روزه» (برنامه علوم سیاسی، ۱۳۶۹: ۱۲). این عبارت صرفنظر از نارسایی نگارشی، حاوی هیچ رهنمودی برای مدرس این

## 1. Attitude

## 2. Approach

۳. احتمالاً این واژه در اصل «اتفاهی» بوده که اشتباه تایپ شده و منظور از آن نیز احتمالاً «تحلیل تصادفی» یا «هم‌رخدادی» بوده است.

درس نیست، انتظار می‌رود نویسندگان برنامه مشخصات و معیارهای انتخاب موضوعات و مسائل، نحوه سازماندهی مباحث و وظایف دانشجویان درس را مشخص کنند.

۴-سرفصل‌های دو درس «متون کلاسیک جامعه‌شناسی سیاسی» و «نقد و بررسی نظریات مختلف در جامعه‌شناسی» نیز به گونه‌ای ذکر شده است که گمانه‌اشتباه و جابجایی عناوین این دو درس را - که در مبحث قبلی مقاله به آن اشاره شد - تقویت می‌کند. برنامه نویسان، هدف درس «نقد و بررسی نظریات مختلف در جامعه‌شناسی» را «بررسی عمیق کلیه نظریاتی که تا کنون در زمینه جامعه‌شناسی سیاسی ارائه شده است» ذکر کرده‌اند. در عوض، هدف درس «متون کلاسیک جامعه‌شناسی سیاسی» این گونه ذکر شده است: «ارتباط مستقیم و نزدیک دانشجویان با کتاب‌ها و متون اساسی در جامعه‌شناسی که بدون مطالعه آنها دست یافتن به درکی عمیق از موضوع میسر نیست». اگر از این اختلاف و تعارض آشکار میان عنوان و هدف اعلام شده هر یک از این دو درس بگذریم، نگاهی به سرفصل‌های آنها بیانگر جابجایی در عنوان این دو درس است.<sup>۱</sup> در سرفصل درس «متون کلاسیک جامعه‌شناسی سیاسی» آمده است: «مطالعه اجباری و گزارش دانشجویان در مورد کتب اندیشمندان زیر: آگوست کنت، دورکهایم...» و در سرفصل‌های درس «نقد و بررسی نظریات جامعه‌شناسی» آمده است: «از نظر نخبه‌گرایی (پاره تو، موسکا، میخلز) و نظریه مارکسیست‌ها در مورد تابعیت سیاسی تا نظریه فونکسیونالیست‌ها و سیستمیست‌ها و نخبه‌گرایی جدید...» باز هم صرف‌نظر از اشتباهات فاحش نگارشی و ابهامات موجود در این جملات، نیازی به توضیح این مطلب نیست که کتاب‌های کنت و دورکیم، در زمره متون کلاسیک جامعه‌شناسی محسوب می‌شوند و نه نظریه‌های جامعه‌شناسی سیاسی. در مقابل، نظریه‌های «نخبه‌گرایی» و نظریه مارکسیستی در باره «تابعیت سیاسی» در زمره نظریه‌های جامعه‌شناسی سیاسی محسوب می‌شوند (و نه جامعه‌شناسی عام و محض)! اشکالات این دو درس، به عنوان و سرفصل‌های آنها محدود نمانده و به اهداف آنها نیز کشیده شده است. برای مثال، هدف درس «نقد و بررسی نظریات جامعه‌شناسی سیاسی» به این صورت بیان شده است: «بررسی عمیق کلیه نظریاتی که تا کنون در زمینه جامعه‌شناسی ارائه شده است» آیا این هدف تا چه حدی قابل تحقق و حتی مورد نیاز است؟ تنوع و تعداد، این نظریه‌ها و همچنین ابعاد و مناقشات مربوط به آنها به مراتب بیش از

۱. این جابجایی صرفاً ناشی از اشتباه تایپی نیست زیرا همانطور که قبلاً اشاره کردیم در جدول دروس نیز عیناً همین عناوین آمده است.

آن است که بررسی عمیق همگی آن‌ها در یک درس ممکن باشد. شاید منطقی تر می‌بود که نویسندگان برنامه عبارت «مهمترین نظریات مطرح در جامعه‌شناسی سیاسی» را به کار می‌بردند.

۵- سرفصل‌های دروس شش‌گانه گرایش سیاستگذاری عمومی اما آشکارا نشان می‌دهد که نویسندگان برنامه آگاهی و اطلاعات تخصصی چندانی از محتوای علمی این گرایش نداشته‌اند زیرا برخلاف دیگر گرایش‌های رشته، که سرفصل دروس به صورت ذکر چند عنوان ارائه شده است، در مورد دروس این گرایش هیچ عنوان مشخصی به چشم نمی‌خورد و به جای آن، و گویا فقط برای خالی نبوده عریضه، جملاتی کلی در باره اهداف هر یک از این درس‌ها ذکر شده است.

### ب- سرفصل‌ها و منابع روابط بین‌الملل

سرفصل‌های دروس دوره دکتری رشته روابط بین‌الملل بر اساس یک الگوی واحد تنظیم نشده‌اند. در اغلب سرفصل‌های این رشته، به جای ذکر عناوین مشخص در مورد محتوای آموزشی، بیشتر به جایگاه و اهمیت درس مورد نظر و یا تحولاتی اشاره شده که باید در محتوای دروس مورد توجه قرار گیرد. درس‌های «روش شناخت در روابط بین‌الملل»، «تحول مفاهیم در روابط بین‌الملل»، «نقد و ارزیابی تئوری‌های روابط بین‌الملل» نمونه‌هایی از این نوع سرفصل نویسی هستند. این گونه سرفصل‌ها البته با شیوه‌های رایج سرفصل نویسی انطباق چندینی ندارد اما دست اساتید مربوطه را برای انتخاب محتوای دروس باز می‌گذارد. برای نمونه، سرفصل درس «نقد و ارزیابی تئوری‌های روابط بین‌الملل» به شرح زیر است:

«تئوری‌های روابط بین‌الملل به عنوان چکیده و نتیجه تجزیه و تحلیل‌های بین‌المللی ابزار توانمندی برای تبیین و پیشگویی رویدادهای محتمل‌الوقوع آینده می‌باشند. از آنجا که شیوه و درونمایه روابط بین‌الملل در حال گسترش و دگرگونی شتابان می‌باشد، اغلب فرایندهای جدید از مطالعات رویدادهای جاری اساس نظریه‌های متکی بر داده‌های پیشین را متزلزل می‌سازد. در این درس، سعی بر این است که با کمک ابزارهای تحلیلی نوین، نظریه‌های عقیم و ناکارآمد از تئوری‌های جدید و معتبر تفکیک و ملاک ارزیابی آن‌ها در عرصه پویای روابط بین‌الملل... تبیین گردد.» (برنامه رشته روابط بین‌الملل، ۱۳۷۲: ۱۴).

در این متن، صرف‌نظر از ابهامی که در برخی عبارات آن به چشم می‌خورد، اهداف و قلمرو درس و فضای کلی آن به روشنی بیان شده است و اگرچه نامی از این یا آن تئوری برده نشده اما

استاد مربوطه را هدایت و ملزم به ارائه مهمترین و جدیدترین تئوری‌های مربوط به روابط بین‌الملل می‌سازد.

در برخی دیگر از سرفصل‌ها، علاوه بر چارچوب کلی موضوع درس و تحولات آن و همچنین اشاره به جهتگیری بحث‌های مورد نظر، به مهمترین عناوین درس نیز اشاره شده است. درس‌های «ابزارهای نوین تجزیه و تحلیل در روابط بین‌الملل»، «حقوق بین‌الملل توسعه و محیط زیست» و «روابط فرهنگی، ارتباطات و مبادلات بین‌المللی» نمونه‌هایی از این نوع سرفصل نویسی هستند. در سرفصل درس «ابزارهای نوین تجزیه و تحلیل در روابط بین‌الملل» آمده است:

«روش‌های گردآوری و تجزیه و تحلیل داده‌های روابط بین‌الملل و نتیجه‌گیری از آن‌ها پایه و اساس همه فرضیه‌ها، قوانین و نگرش‌های روابط بین‌الملل است. از این رو دقت و کارایی این تئوری‌ها در گروهی کمی و کیفیت داده‌ها و روش‌های به کار رفته در تجزیه و تحلیل آن‌هاست. در نیمه دوم قرن بیستم تحول بزرگی در کمی و کیفیت داده‌های روابط بین‌الملل از یک سو، و روش‌های تجزیه و تحلیل آن‌ها از سوی دیگر پدید آمد. به نحوی که روش‌های کمی همگام با شاخص‌سازی به‌طور روزافزونی جای روش‌های کیفی و توصیفی را گرفته است. در این درس روش‌های شبیه‌سازی...، مقیاس‌سازی، تحلیل محتوا، مدل‌سازی آماری و ریاضی، تجزیه و تحلیل سیستمی... مورد مطالعه کاربردی قرار می‌گیرد.» (برنامه رشته روابط بین‌الملل، ۱۳۷۲: ۱۵).

در برخی دیگر از سرفصل‌ها فقط به عناوین مباحث درس بسنده شده است. دروسی نظیر «نقش قدرت در سیاست بین‌الملل»، «همگرایی و واگرایی در روابط بین‌الملل»، «مذاکرات دیپلماتیک»، «سیاست خارجی تطبیقی»، «سیاست خارجی ایران در تئوری و عمل» و «بحران و مناقشات بین‌المللی» از جمله این دروس هستند. برای مثال، برای درس «نقش قدرت در سیاست بین‌الملل»، بدون هیچ توضیحی بیش از بیست عنوان ارائه شده است.

سرانجام این که، تعداد قابل ملاحظه‌ای از دروس دوره فاقد هرگونه مطلبی با عنوان سرفصل هستند. درس‌های «تحول مفاهیم در روابط بین‌الملل»، «جهان سوم در سیاست بین‌الملل»، «تصمیم‌گیری و پژوهش عملیاتی در سیاست خارجی»، «مطالعه تطبیقی نظام‌های سیاسی بین‌المللی» «روابط اقتصادی و تجارت شمال و جنوب» «منابع بین‌المللی، توسعه و مبادلات جهانی» و «مسائل پولی و بانکی بین‌المللی» نمونه‌هایی از این درس‌ها هستند. نویسندگان برنامه در توضیح این مسأله، عنوان کرده‌اند که: «سرفصل و مشخصات برخی دروس اختیاری که در این جزوه منظور نشده، متناسب

بازمان و مکان تنظیم و ارائه خواهد شد<sup>۱</sup> این توضیح بر ابهام مسأله می‌افزاید زیرا «تنظیم و ارائه» این سرفصل‌ها را به زمان و مرجعی نامعلوم محول کرده است. اگرچه این درس‌ها در زمرهٔ دروس اختیاری هستند، اما اگر گنجاندن آن‌ها در برنامه ضرورتی داشته و امکان ارائه آن‌ها نیز مد نظر بوده است، انتظار این بوده است که دست کم، چارچوب کلی و جهتگیری مباحث درس از سوی برنامه نویسان ارائه شود.

صرفنظر از چندگانگی حاکم بر سرفصل‌ها، اشکالات و ابهامات دیگری نیز در سرفصل‌های این رشته به چشم می‌خورد. در برخی از موارد، سلیقه‌ها، پیش‌فرض‌ها و دیدگاه‌های شخصی نویسنده (یا نویسندگان) سرفصل، کاملاً آشکار است. برای مثال، در سرفصل درس روش شناخت در روابط بین‌الملل، پس از ذکر اهمیت، اهداف و محتوای کلی درس، جهتگیری مباحث کلاس به شرح زیر تعیین شده است:

«... با بهره‌گیری از روش‌های چهارگانه شناخت: روش جمودیت، روش تبعیت، روش درک مستقیم یا اشراق و بالاخره روش علمی، سیر تحول، کار برد و کارایی روش‌های شناخت سنتی و جدید و عرصه‌های اختلاف در روش شناسی که منجر به شکل‌گیری مکتب‌های مختلف روابط بین‌الملل گردیده است، تجزیه و تحلیل می‌گردد.» (برنامه رشته روابط بین‌الملل، ۱۳۶۹: ۱۲).

در جمله طولانی مزبور، طبقه بندی روش‌های پژوهش بر اساس مفاهیمی مهجور چون «جمودیت» و «تبعیت» و یا مفاهیمی کلی چون «سنتی» و «جدید» صورت گرفته است که منظور برنامه نویسان را در هاله‌ای از ابهام باقی می‌گذارد. به عبارت دیگر، با توجه به واژگان به کار رفته در این جمله، به نظر نمی‌رسد نویسندگان سرفصل اعتبار یکسانی برای روش‌های چهارگانه مورد اشاره قایل بوده باشند اما ساختار جمله به گونه‌ای است که گویا به استادان درس توصیه شده با بهره‌گیری از این چهار روش به بررسی سیر تحول روش‌ها و مکتب‌های روابط بین‌الملل بپردازند. چنین اشکالات و ابهاماتی در متن یک برنامه ریزی آموزشی، آن هم در بالاترین سطح یک رشته دانشگاهی قابل قبول نیست.

## نتیجه گیری

برنامه‌های دوره های دکتری در دو رشته علوم سیاسی و روابط بین‌الملل در دانشگاه‌های ایران علاوه بر مشکلات ناشی از الگوی عام دوره‌های دکتری در ایران، در قالب همان الگو نیز از اشکالات و نارسایی‌های متعددی رنج می‌برند. نظام آموزش عالی در ایران، از جمله در سطح تحصیلات تکمیلی، متمرکز، یکسان‌گرا و تابع مقررات و برنامه‌های مصوب وزارت علوم است. همچنین، فرایند گسترش رشته‌ها و دوره‌های تحصیلی، معمولاً به این شکل است که یکی از دانشگاه‌ها (معمولاً از میان دانشگاه‌های معتبر دولتی) پیشقدم تنظیم و ارائه برنامه آموزشی برای یک رشته یا دوره می‌شود و با تصویب آن، تعدادی دانشجو را می‌پذیرد اما به دنبال آن، معمولاً دیگر دانشگاه‌ها بدون نیاز سنجی یا برنامه ریزی جدید، در صدد دایر کردن آن رشته یا دوره برمی‌آیند و پس از توفیق در این کار، برنامه مصوب اولیه را مبنای کار خود قرار می‌دهند. البته طبق مقررات موجود، دانشگاه‌ها و گروه‌های مجری رشته‌ها و دوره‌های تحصیلی این امکان را دارند که متناسب با شرایط و اهداف خاص خود، اصلاحاتی را در بخشی از برنامه‌های مصوب، به ویژه عناوین درس‌ها و سرفصل‌ها پیشنهاد کنند و پس از تصویب مراجع ذیربط به اجرا درآورند اما مشکلاتی نظیر فضای غیر رقابتی و بوروکراتیک دانشگاه‌ها و گروه‌های علمی انگیزه و فرصت چندانی برای بازنگری یا تنوع بخشی در برنامه‌های آموزشی فراهم نمی‌کند و به این ترتیب، برنامه‌های مصوب اولیه معمولاً سال‌ها و گاه ده‌ها سال بدون تغییر باقی می‌مانند. برنامه‌های مصوب دوره های دکتری علوم سیاسی و روابط بین‌الملل نیز در چارچوب چنین شرایط و رویه‌هایی تدوین شده و تداوم یافته‌اند. بررسی ما نشان داد که این برنامه‌ها علاوه بر این مشکل عام از اشکالات و نارسایی‌های خاصی نیز رنج می‌برند که مهمترین آن‌ها به شرح زیر است:

۱- هیچ یک از این دو برنامه بر اساس مطالعات نیازسنجی و الگویابی طراحی و تدوین نشده‌اند. نگارنده در جستجوهای خود نتوانست اثری از چنین مطالعاتی پیدا کند. این در حالی است که راه‌اندازی دوره دکتری در بسیاری دیگر از رشته‌ها معمولاً بر اساس چنین مطالعاتی صورت می‌گیرد (زارعی زوارکی، ۱۳۸۶؛ مفیدی، ۱۳۸۶؛ رحیمیان، ۱۳۸۶). اشاراتی هم که در مقدمه برنامه های این دو رشته به ضرورت راه‌اندازی این دوره‌ها شده بسیار کلی است فقدان چنین مطالعاتی برای راه‌اندازی این دوره‌ها این سوال را پیش می‌کشد که اگر گروه‌های دانشگاهی (نظیر علوم سیاسی و روابط بین‌الملل) برای طراحی و برنامه‌ریزی فعالیت‌های خود از روش‌های علمی و

پژوهشی سود نجویند، چگونه می‌توانند مدعی راهگشایی علمی و پژوهشی برای دیگر نهادها و بخش‌ها باشند؟

۲- هر دو برنامه، برخلاف فلسفه دوره‌های دکتری تخصصی و مفاد آیین‌نامه‌های دکتری<sup>۱</sup>، شدیداً آموزش محور هستند. بیش از ۹۵ درصد حجم مطالب هر دو برنامه به فعالیت‌های آموزشی اختصاص یافته و در متن آن‌ها مطلب چندانی در باره فعالیت‌های پژوهشی دوره دیده نمی‌شود. گویا برنامه نویسان بر این تصور بوده‌اند که فعالیت‌های پژوهشی دانشجویان نیازی به برنامه ریزی، سازماندهی و آموزش ندارد. این درحالی است که پژوهش علمی، نیازمند آموزش‌های نظری و عملی مستمر است. گنجاندن یک یا دو درس مرتبط با روش پژوهش در مرحله آموزشی و سپس درگیر شدن عملی دانشجویان در فرایند تدوین رساله، گرچه بخشی از این نیاز را برطرف می‌کند اما کافی نیست.

۳- بحث در باره اهمیت، جایگاه و نحوه انتخاب، تصویب و تدوین و معیارها و چگونگی ارزیابی رساله دانشجویان دوره، در برنامه علوم سیاسی کاملاً مغفول و در برنامه روابط بین‌الملل در حد کلیات باقی مانده است. با توجه به این که رساله دکتری صرفنظر از اهمیت علمی، حدود نیمی از زمانبندی و فعالیت‌های دانشجویان دوره را به خود اختصاص می‌دهند، غفلت و کم توجهی به آن در متن برنامه محل تأمل است.

۴- هر دو برنامه در تعریف شرایط و ملزومات دوره و تنظیم و تدوین محتوای علمی آن از نارسایی‌ها و ابهامات متعددی رنج می‌برند. در برنامه علوم سیاسی شرایط داوطلبان و همچنین مبنای تعیین گرایش‌های چهارگانه دوره چندان موجه به نظر نمی‌رسد و توازن و تناظر چندانی میان عناوین و تعداد درس‌های این گرایش‌ها وجود ندارد و برخی از عناوین دروس آنچنان گسترده هستند که بیشتر به یک زمینه مطالعاتی شبیهند تا به یک درس. در برنامه روابط بین‌الملل نیز دسته بندی دروس چندان منطقی و موجه نیست و شرایط و نحوه انتخاب دروس در مواردی مبهم و گیج کننده است. سرفصل‌های دروس در هر دو برنامه، فاقد یکدستی و طبقه بندی منطقی هستند و در آن‌ها از معرفی و پیشنهاد مهمترین منابع درسی موجود غفلت شده است.<sup>۲</sup>

۱. در آیین‌نامه‌های وقت دوره دکتری (مصوب ۱۳۶۸ و ۱۳۷۲) آمده است: محور اصلی فعالیت‌های دوره دکتری، پژوهش و کسب تبحر در یک رشته خاص علمی است و آموزش، وسیله برطرف کردن کاستی‌های آموزشی دانشجویان این دوره است تا راه را برای وصول به اهداف دوره هموار سازد.

۲. این کار در اغلب برنامه‌های پیشنهادی برای دوره‌های دکتری رشته‌های دیگر رایج است. برای نمونه بنگرید به:



۵- صرفنظر از نارسایی‌ها و ابهامات مشترک هر دو برنامه، در برنامه رشته علوم سیاسی اشکالاتی بیش از برنامه رشته روابط بین‌الملل مشاهده می‌شود. در حالی که در برنامه رشته روابط بین‌الملل کوشش شده است فضای علمی رشته و محتوای کلی دوره معرفی شود، برنامه علوم سیاسی فاقد حد اقلی از مباحث محتوایی است و در آن به ذکر جنبه‌های صوری دوره بسنده شده است. سرانجام این که متن برنامه روابط بین‌الملل نسبتاً با دقت نگاشته شده و اشکالات نگارشی چندانی ندارد در حالی که متن برنامه علوم سیاسی با اشتباهات فاحش نگارشی، این گمان را تقویت می‌کند که گویا بسیار عجولانه تنظیم شده و طراحان و تصویب‌کنندگان آن حتی فرصت ویرایش آن را نیافته‌اند.

در مجموع به نظر می‌رسد برنامه‌های هر دو رشته نیازمند بازنگری اساسی است. البته در این بازنگری لازم است چند نکته مورد توجه قرار گیرد. نخست این که با توجه به تنوع الگوهای اجرای دوره‌های دکتری در جهان و همچنین پذیرش بخشی از این تنوع در آخرین آیین‌نامه‌های مصوب دوره‌های دکتری، از رویکرد یکسان‌گرایانه (یعنی تدوین و ابلاغ یک برنامه ثابت و یکسان برای همه دانشگاه‌ها) اجتناب شود و به دانشگاه‌های مختلف این امکان داده شود تا در چارچوب اسناد فرادستی داخلی، تجربیات جهانی و متناسب با ظرفیت‌های خود به طراحی و تدوین برنامه‌هایی خاص خود برای این دوره‌ها مبادرت ورزند. دوم این که در بازنگری برنامه لازم است تقویت توانمندی پژوهشی دانشجویان و زمینه‌سازی برای افزایش تولیدات علمی و به ویژه ارتقاء کیفیت رساله‌های دانشجویی در کانون توجه قرار گیرد.

### فهرست منابع

#### - فارسی

- افتخاری، قاسم. (۱۳۸۵). «بررسی روش شناختی پایان‌نامه‌های دوره دکتری علوم سیاسی و روابط بین الملل دانشگاه تهران» پژوهشنامه علوم سیاسی، س. ۱، ش. ۵.
- الوانی، مهدی. (۱۳۸۶). «بازنگری برنامه‌های آموزش مدیریت در سطح دکتری در دانشگاه‌های کشور و ارائه برنامه‌های مناسب». تهران: موسسه پژوهش و برنامه‌ریزی آموزش عالی.

- بازرگان، عباس. (۱۳۸۰). *ارزشیابی آموزشی: مفاهیم، الگوها و فرایند عملیاتی* تهران: انتشارات سمت.
- جکسون، نورمن و لاند، هلن. (۱۳۷۲). *بهبود تطبیقی در آموزش عالی*، ترجمه محمد قاسمی، محسن وارثی و رضا یوسفیان تهران: دانشگاه امام حسین.
- خلیلی، محسن و همکاران. (۱۳۸۸). «کیفیت فرضیه‌ها در پایان‌نامه‌های دکتری علوم سیاسی، گرایش مسائل ایران از ۱۳۷۷ تا ۱۳۸۷، ارایه شده در: سومین همایش علمی بررسی وضعیت آموزش و پژوهش در علوم سیاسی و روابط بین‌الملل» (تهران: انجمن علوم سیاسی ایران، (خرداد).
- دانشگاه تهران (بی تا) *مجموعه مقررات دوره دکتری. دانشگاه تهران: اداره کل تحصیلات تکمیلی.*
- دانشگاه علامه طباطبایی (بی تا)، *دستورالعمل اجرایی امتحان جامع دوره دکتری (آیین نامه دائمی)*، (مصوب ۱۳۷۵/۴/۱۶ و تجدید نظر شده در ۱۳۷۸/۸/۸)
- دلاوری، ابوالفضل. (۱۳۸۵). «ویژگی‌ها و گرایش‌های علوم سیاسی در ایران: نگاهی از دریچه نشریات تخصصی این رشته»، *پژوهشنامه علوم سیاسی*، س. ۱، ش. ۵.
- رحیمیان، حمید. (۱۳۸۶). *طراحی دوره جدید دکتری مدیریت آموزشی (گزارش پژوهشی)* تهران: دانشگاه علامه طباطبایی.
- زارعی زوارکی، اسماعیل. (۱۳۸۶). «بررسی دوره دکتری تکنولوژی آموزشی در سطح جهانی جهت ارائه برنامه‌ای جامع برای راه‌اندازی این دوره در دانشگاه علامه طباطبایی» *فصلنامه روانشناسی تربیتی*. سال ۳. شماره ۹ (پاییز).
- گروه مشاوران یونسکو. (۱۳۷۳). *فرایند برنامه ریزی آموزشی*، ترجمه فریده مشایخ، تهران: انتشارات مدرسه.
- محمدی، رضا و همکاران. (۱۳۸۶). *ارزشیابی کیفیت در آموزش عالی*. تهران: سازمان سنجش آموزش کشور.
- شیرزاده، حمیرا و حیدرعلی مسعودی. (۱۳۸۹). «نظریه و پژوهش در روابط بین‌الملل در ایران: مطالعه موردی رساله‌های دکتری، پژوهشنامه علوم سیاسی (فصلنامه انجمن علوم سیاسی ایران) سال ۵ شماره ۲ (بهار).
- مفیدی، فرخنده. (۱۳۸۶). *طرح تدوین برنامه دوره دکتری آموزش و پرورش پیش دبستان (گزارش پژوهش)*. تهران دانشگاه علامه طباطبایی.

- مقصودی، مجتبی. (۱۳۸۸). «بررسی توصیفی عناوین پایان نامه های رشته علوم سیاسی و روابط بین الملل در دانشگاه های دولتی شهر تهران» مجموعه مقالات اولین همایش علمی بررسی وضعیت آموزش و پژوهش علوم سیاسی و روابط بین الملل در ایران. به اهتمام دکتر حسین سلیمی تهران: پژوهشکده مطالعات فرهنگی و اجتماعی وزارت علوم، تحقیقات و فن آوری.
- ملا نظر، حسین. (۱۳۸۶). «مشخصات کلی، برنامه و سرفصل دروس دوره دکتری مطالعات ترجمه (تهران: دانشگاه علامه طباطبایی).
- ملکی، حسن. (۱۳۸۳). «بررسی وضعیت دوره های دکتری علوم انسانی از دیدگاه اعضای هیات علمی (تهران: موسسه پژوهش و برنامه ریزی آموزش عالی).
- موسسه پژوهش و برنامه ریزی آموزش عالی. (۱۳۸۶). گزارش همایش «تأملی بر دوره های دکتری تخصصی در ایران»، (۲۶ و ۲۷ اردیبهشت).
- وزارت علوم، تحقیقات و فناوری. (۱۳۸۸). آیین نامه دوره دکتری Ph.D.
- ----- (۱۳۸۴). آیین نامه دوره دکتری Ph.D.
- وزارت فرهنگ و آموزش عالی، شورای عالی برنامه ریزی. (۱۳۷۲). آیین نامه دوره دکتری Ph.D.
- ----- (۱۳۶۸). آیین نامه دوره دکتری Ph.D.
- ----- (۱۳۶۹). برنامه آموزشی دوره دکتری علوم سیاسی
- ----- (۱۳۷۲). برنامه آموزشی دوره دکتری روابط بین الملل
- ----- (۱۳۷۵/۱۲/۱۹). دستورالعمل اجرایی
- آزمون جامع دوره دکتری
- مادی زوز، بهروز. (۱۳۸۷). «مشخصات کلی، برنامه و سرفصل دروس دوره دکتری اقتصاد شهری و منطقه ای». تهران: دانشگاه علامه طباطبایی.

– لاتین

- Clark, Burton R.(1983).**Higher Education system, Academic Organization in Cross-national Perspective**. Berkeley: university of California press.
- Curtight, Marc.(2001).**chaos Theory & Higher Education: Leadership, Planning and Policy**. New York: peter Lang publishing.
- Elliot W. Eisner.(1975).**The Educational Imagination; On The Design and Evaluation of School Programs**. New York: Macmillan
- Forni, P.(1989). "Models for Doctoral Programs: First Professional Degree or Terminal Degree?" *Nursing and Health Care*, V. 10, No. 8.
- Wikipedia(June 2008) "Doctorate" available at: <<http://en.wikipedia.org>>
- Chicago University.(2010). "Graduate Program" Available at: <[http://political\\_science.uchicago.edu/program](http://political_science.uchicago.edu/program)>
- Stanford University.(2007). "Graduate Requirements" Available at <<http://politicalscience.stanford.edu.graduate.html>>
- Berkeley University.(2011). "graduate Program, Ph.D. Requirements" Available at <<http://polisci.berkeley.edu/grad>>
- Cuny University.(2011). "Ph.D. & M.A. Program in Political science" Available at <http://web.gc.cuny.edu>
- Stony Brook University (January 212) "The Ph.D. Program" Available at <http://www.stonybrook.edu/polsci/grad>